

بهترین عید مدرسه



دکتر زهرا بازرگان

اولیاء و مربیان غالباً "قبل از اقدام به خرید، در مورد مناسب ترین هدیه فکر می کنند و به این نکته می اندیشند که چه هدیه ای می تواند متناسب با علائق و احتیاجات وی باشد؟ آیا واقعا" چیزی وجود دارد که بتواند نه تنها یک روز و یک هفته بلکه در تمام سال، کودک را سرگرم و دلخوش بدارد؟ پاسخ به این سؤال ال چندان دشوار نیست، اگر ما تلاش اندکی برای شناخت نیازها و انتظارات فرزندان یا دانش آموزان خود به عمل آوریم و گهگاه در فرصتهای مختلف افکار و عقاید آنان را در مورد بهترین هدیه و یادآور مورد انتظاراتی که از اطرافیان خود

کودکان معمولا" سالی یکی دوبار به مناسبتهای مختلف از اولیاء و مربیان خود هدایایی دریافت می کنند. اعیاد رسمی، موفقیت در امتحانات، روز تولد و روزهایی از این قبیل همه موقعیتهایی مناسب برای هدیه دادن است. بزرگترها می دانند که دریافت هدیه تا چه اندازه برای کودکان دلپذیر است. یک جامدادی زیبا، یک کتاب مورد علاقه، یک وسیله تزئینی و... هر کدام از این وسایل می تواند برق خوشحالی را در چشمان شفاف و زیبای کودکان بنشانند.

دارند حویا شویم، در این صورت خواهیم دید که کودکان تا چه اندازه نظریات و پیشنهادهای جالبی در مورد نوع و کیفیت هدیه مورد نظر خود ارائه خواهند داد و تا چه حد از این نوع پرس و جو احساس رضایت و غرور خواهند کرد. مقاله حاضر حاصل یک چنین تلاشی است.

در بهمن ماه سال گذشته از دانش آموزان چند دبستان در مناطق مختلف شهر تهران، در مورد بهترین هدیه مدرسه و اصولاً "انتظاراتی که شاگردان از مدرسه و معلم خود دارند نظر خواهی به عمل آمد. این نظرخواهی با همکاری چند تن از دانشجویان دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران و در قالب چند موضوع انشاء برای دانش آموزان کلاسهای سوم، چهارم و پنجم صورت گرفت. دانش آموزان در خلال انشاهای کوتاه یا بلند خود آرزوها، انتظارات، مشکلات و نگرانیهای خود و نیز کمیتههای مدرسه را با ساده ترین و صادقانه ترین جملات بیان داشتند.

بررسی نوشته های کودکان نشان می دهد با اینکه دریافت جوایز و هدایای مادی مانند کتاب، ساعت، خودنویس، مژیک و غیره از طرف مدرسه برای آنان غرور آفرین و ارزشمند است، اما اکثر آنان از مدرسه انتظار پاداشهای معنوی را دارند.

در این مقاله ضمن انتخاب جملاتی کوتاه از میان نوشته ها، انتظارات دانش آموزان از مدرسه به شرح زیر طبقه بندی شده است.

اخلاق و رفتار معلم

— دوست دارم در کلاس دعوا و سرو صدا نباشد و با داد و فریاد بچه را نترسانند.

— ما انتظار داریم در کلاس با بچه ها خوش رفتاری کنند و آنها را مثل بچه های خودشان دوست داشته باشند.

— ای کاش معلم ما در کلاس با ما شوخی کند و ما را شاد کند.

— معلم نباید بچه ها را بزند، چون بچه از معلم می ترسد و موقع امتحان هول می شود.

— من از خانم می خواهم وقتی بچه ای درس بلد نیست و یا چیزی را نیاورده، سراو داد نکشد و با مهربانی دلیلش را بپرسد.

— معلم بهتر است اول تحقیق کند، بعد تذکر بدهد.

— معلم نباید آبروی بچه ای را که تکلیف خود را نیاورده، جلوی همه ببرد.

— این نزدیکیهای عید ما را نزنند چون نزدیک عید دل بچه باید شاد باشد.

— معلم باید مهربان باشد، اما نه آنچنان مهربان که بچه ها سوء استفاده کنند.

— معلم نباید تاحرفی از دهان ما درمی آید فوری برای ما منفی بگذارد.

— من می دانم که اگر معلم با شاگرد با مهربانی صحبت کند، آن شاگرد درسش را می خواند.

— معلم نباید به هر بهانه ای زنگ تفریح ما را اشغال کند.

— من می خواهم معلممان یک ذره اخلاقش را خوبتر کند. دیگر هیچ انتظاری ندارم.

— من از معلم خودمان انتظار دارم که نگذارد مبصر زور بگوید و مغرور و خود خواه باشد.

— تنها توقع من این است که وقتی سر کلاس خسته شدیم معلم بگذارد کمی استراحت کنیم، همین.

— معلم نباید فقط یکی را مبصر کند. همه

— ای کاش معلم ما بیشتر توضیح می داد
و اگر کسی سؤال می کرد زود نمی گفت چرا
گوش ندادی .

— من انتظار دارم اگر مشکلی در درس
حاضر کردن پیش آمد فوری نگویند باید مادرو
پدرت را بیاوری .

— دلم می خواهد معلم درسهارا گروهی
کند .

— من از معلم می خواهم امتحانات را
آسانتر کند .

— ای کاش معلم ماکسی را از کلاس بیرون
نمی کرد .

انتظار دانش آموزان از معاون مدرسه

— من از ناظم خودمان می خواهم این قدر
سختگیری نکنند . برای موی سر ، برای لباس ،
برای توپ آوردن ، برای درکلاس ماندن ، اگلا "
بگذارند ، توپ بیاوریم .

بچه ها دوست دارند مبصر باشند .

— معلم نباید فقط به شاگردهای زرنگ جایزه
بدهد .

— کاش معلم ما به همه کاریگوید نه فقط
به چند نفر . مثلا "به ما بگوید : " بروکج را بیاور . "

نحوه تدریس معلم

— درسهای ما خیلی مشکل است . من آرزو
دارم معلم با ما بیشتر کار کند .

— معلم باید بگذارد اگر شاگرد درس را
نفهمید ، سؤال کند .

— اگر معلم خیلی سختگیر باشد بچه فقط
برای نمره درس می خواند و همیشه نگران است .

— من از معلم قرآن می خواهم فوری
ثالث دوم نشده امتحان ثالث سوم را نگیرد .

— انتظار من این است که ما را بیشتر یاری
دهد و با ما کار کند ، مخصوصا " در درس علوم
و جغرافیا و تاریخ و مدنی و ریاضیات .



- برای بچه ها مسابقه بگذارد .
- معلم ورزش ما نمره کم می دهد . من دلم می خواهد به شاگردهای زرتنگ این قدر نمره ندهند .
- ای کاش به جای یک بار ورزش دوبار ورزش در هفته داشتیم .
- معلم ما ورزش کنیی می دهد . من ورزش کنیی را دوست ندارم .



دانش آموزان و تکلیف شب

- بهترین عیدی برای من این است که مشق نداشته باشم .
- مشق کم بگویند بهتر است ، چون بچه ها از درس زده می شوند .
- من از معلم خودم انتظار دارم موقع امتحان مشق ندهد .
- ای کاش معلم ما به جای بیست تمرین

- ناظم ها باید مهربان باشند و بچه ها را نزنند .
- معاون نباید آبروی بچه ها را جلوی دیگران ببرد .
- ناظم نباید ما را از صف بیرون بکشد .
- من از معاون مدرسه انتظار دارم به وضع حیات بیشتر رسیدگی کند .
- اگر این اخلاق بعضی از ناظم ها حل شود مدرسه ما بهترین مدرسه است .
- ناظم باید با حوصله باشد .
- ناظم باید خوش اخلاق باشد .
- معاون مدرسه نباید کاری کند که بین او و بچه ها دشمنی به وجود آید .

بچه ها و مدیر مدرسه

- من دلم می خواهد مدیر خودش را گاهی به ما نشان بدهد .
- کاش مدیر بچه هایی را که به دفتر می فرستند تا دعوا کند ، دعوا نکند .
- من از مدیر انتظار دارم هرگز ما را نزند .
- یک مدیر خوب نباید شاگردی را اخراج کند .
- من از مدیر خواهم می کنم با بچه ها خوب باشد .

انتظار کودکان از معلم ورزش

- من از معلم ورزش انتظار دارم در کلاس ننشیند و ما را همیشه بیرون ببرد .
- معلم ورزش باید وسایل بیشتری برای ما تهیه کند و بیشتر به ما برسد .
- انتظار من از معلم ورزش این است که



— معلم ما آن قدر مهربان است که تکلیف
به اندازه می دهد .
— مشق شب را اول باید به دانش آموز
یاد داد بعداً " بگویند مشقت را چرا این طور
نوشتی .
— من هر وقت مشقم را نمی توانم بنویسم
از دست خودم ناراضی هستم .

انتظار کودکان از وضعیت فیزیکی مدرسه

— بهترین عیدی برای ما این است که
کلاسهای ما را رنگ بزنند ، میزها را درست کنند .
میزهای ما جای کیفی ندارد .
— در این مدرسه همه چیز کهنه و خراب
است .
— من از کارکنان مدرسه می خواهم مدرسه

ریاضی در هر شب می گفت یک صفحه دیکته
بنویسید چون خواهر من هر چه می گویم حاضر
نمی شود شبی بیست تا تمرین ریاضی به من بدهد
ومی گوید بعداً " می دهم و بعد کار من به صبح
می کشد و نمی دهد .

— شب عید کم مشق بگویند ، شاید ما جایی
رفتیم و دیر برگشتیم . وقتی خیلی مشق داریم
نمی توانیم انجام بدهیم .
— من از معلم می خواهم درس کم بگوید
و تا نصف شب بیدارمانیم .
— لطفاً " معلم عزیزم ، روزهایی که امتحان
داریم مشق نگوید .

— وقتی شاگردی می گوید مشقش را نوشته و
جا گذاشته ، معلم باید باور کند .

— بهترین معلم کسی است که بگذارد ما
خستگی در کنیم و مشق زیاد نگوید .

— در خانه که هستم می بینم دلم پراز
هیجان است . یکهو یادم می آید تکلیفم را
نوشته ام .

— همیشه دلم شورمشقم را می زند .
— گاهی خواب می بینم مشق نوشته ام و
معلم می گوید مشقهایتان را روی میز بگذارید .
یکهو چنان وحشت می کنم که از خواب می پرسم .
— معلم نباید جریمه بگوید . من از روزی که
جریمه نوشته ام تا امروز خسته هستم .

— اگر مشق شب نباشد آدم می تواند به
کلاس زبان برود ، کتاب بخواند و نقاشی کند .

— من مشق را بسیار دوست دارم چون
برای ما مفید است .

— آموزش و پرورش نباید این قدر مشق
بگوید . خواندنی اشکال ندارد .

— از معلم خودم متشکرم که مشق کم می
دهد ، اما اگر باز هم کمتر کند بهتر خواهد شد .

شیرهای خراب آن و وضع نواتل ها درست شود .

— هیچ وقت صابون در اینجا پیدانمی —

شود .

— یک مدرسه نباید همش شوفازهاپش

خراب باشد واگر درکلاس سه شوفازهست

دوتایش خراب باشد .

— مدرسه باید کتابخانه داشته باشد .

— هر وقت زمستانها وارد کلاس می شوم یا

توی راهرو، بوی نفت می آید و حالم بد می —

شود . مدرسه را نباید با نفت تمیز کنند .

— اگر شما برنامه لحظه ها را دیده باشید

می بینید که در خارج آزمایشگاههای مجهزی

دارند و کتابخانه های خوبی دارند و اگر

دانش آموزان آن آزمایشها را انجام دهند

درسها به راحتی در ذهنشان می ماند . ماهم

باید آزمایشگاه داشته باشیم .

— حیاط مدرسه باید بزرگتر باشد تا ما

بتوانیم براحتی این طرف و آن طرف برویم و

با هم صحبت کنیم .

را تمیز نگه دارند .

— بچه ها نباید در مدرسه آشغال بریزند .

مدرسه را باید تمیز کنند .

— امیدوارم برای عیددستی به میزها و

صندلیها بخورد .

— از مدرسه ما راهنماییها هم استفاده

می کنند . برای همین است که همه جا خراب

شده ، ماهرجه به دیوار می زنیم ، آنها را پاره

می کنند و می کنند .

— وقتی تخته سیاه این قدر کمرنگ باشد ،

بچه های آخر کلاس نمی توانند چیزهایی را که

معلم روی تخته نوشته ببینند و در نتیجه توی

دفتر خود غلط می نویسند . وقتی معلم از آنها

درس می خواهد آنها نمی توانند جواب بدهند

و جلوی دوستان خود خجالت زده می شوند .

— وقتی آموزش و پرورش بودجه نداشته

باشد مدرسه را درست کند باید دولت به آنها

کمک کند .

— دلم می خواهد وضع آبخوری مدرسه ، و



گرفته ام .

- مدیر ما بسیار خوش اخلاق و مهربان است . و ما او را خیلی دوست داریم .
- معلم شمع فروزان زندگی ما ست .
- بچه ها باید خیلی خوب درس بخوانند ، چون معلم این قدر زحمت می کشد تا دانش آموزان نمره خوب بگیرند .
- من دوست دارم نمره خوب بگیرم تا معلم خوشحال شود . وقتی خانم خوشحال می شود ، من هم خوشحال می شوم .
- معلم عزیزم مرا ببخش که درسم ضعیف است . خواهش می کنم مرا ببخش .

نوشته های کودکان و پاسخهای طبیعی و صادقانه آنان کویاتر از آن است که نیازمند تحلیل و تفسیر اضافی باشد . همان طور که ملاحظه می گردد ، انتظارات کودکان ما بسیار محدود و نسان دهنده تمایل آنان به ارضای ابتدایی ترین نیازهای عاطفی است . دانش آموزان دبستانهای ما در حقیقت چیز زیادی نمی خواهند ، آنان اسباب بازیهای پرخرج ، امکانات آموزشی پرهزینه ، پاکردشهای علمی متنوع از مریبان خود طلب نکرده اند ، بلکه مهمترین آرزوی آنان وجود شرایط و محیطی امن و آرامش بخش در مدرسه برای درس خواندن است .

بچه های ما معلمی می خواهند که آنان را بپذیرد و کارکنانی که به شخصیت آنها احترام بگذارند و با توجه به مشکلات و تفاوتهای فردی دانش آموزان با آنها برخوردی سالم و انسانی داشته باشند .

بقیه در صفحه ۵۵

بچه ها و شرکت تعاونی مدرسه

- شرکت تعاونی ما گران است . باید ارزانتر بفروشند .
- در شرکت تعاونی چیز زیادی پیدامی — شود . تعاونی ما هر چیزی را که دوست داریم می گویند نداریم .
- در تمام مدرسه ها باید تعاونی باشد .
- ساندویچهای شرکت تعاونی ما بیشترش خالی است ، لطفا " رسیدگی شود .
- در مدرسه باید امکانات خوراکی باشد .

حق شناسی کودکان

در حالی که نوشته های دانش آموزان انتظارات آنان و عدم تطابق امکانات مادی و معنوی مدرسه را منعکس می سازد ، در عین حال ، نمودار حق شناسی و عشق و علاقه مفرط آنان به معلم و کارکنان مدرسه است :

— من از معلم ها تشکر می کنم که این قدر تلاش می کنند تا امتحان بچه ها خوب شود و ما قبول بشویم .

— من از معلم خوب خودم می خواهم که برای ما دعا کند تا موفق شویم و به کلاس بالاتر برویم .

— من از همه معلمها راضی ام .

— معلم من بهترین معلم دنیاست .

— ما دانش آموزان باید به حرف معلم ها گوش بدهیم .

— معاون مدرسه ما خیلی زحمتکش است و همه چیز را منظم و مرتب می کند .

— من از ناظم خودمان خیلی چیزها یاد



چگونه پرسشهای دانش آموزان را پاسخ دهیم؟

فضای مناسب برای طرح پرسش را به وجود آورد و زمینه های مساعد و انگیزه های لازم را برای طرح پرسش ایجاد کند. یک کلاس خوب درحقیقت با یک پرسش مطلوب آغاز می شود و با یک پرسش اندیشمندانه و عالمانه هم پایان می یابد، پرسشی که بتواند تازمان کلاس بعد دانش آموز را برای رسیدن به پاسخ مناسب، به تفکر و تلاش وادارد. معلم خود با طرح سوئلهای گوناگون و از دیدگاههای متنوع در واقع راه سوئال کردن را به دانش آموز می آموزد و او را تشویق می کند تا سوئلهای دیگری مطرح سازد. اکنون به بیان

حضرت پیامبر (ص) می فرماید: سلونی قبل ان تفقدونی، یعنی از من بپرسید قبل از آنکه از میان شما بروم. سعدی هم در گلستان می گوید: بیس هر چه ندانی که ذل پرسیدن

دلیل راه تو باشد به عز دانایی سوئال و طرح آن امری مهم و با ارزش است. شخصیت علمی یک دانش آموز با طرح پرسش شکل می گیرد. دانش آموزی که پرسشی ندارد، غالباً "درس و بحث را درک نکرده است، بیاد ذهن خالی و کم مایه ای دارد که هیچ گونه پرسشی را نمی تواند مطرح کند. معلم خوب باید

جواب درست دست باید. این روش نیاز به حوصله، بردباری و وقت کافی دارد. می توان با بی حوصلگی پاسخی شتابزده و قطعی به سؤال کننده داد، اما تلاش و تفکر خوددانش آموز برای رسیدن به جواب درست ولذتی که پس از دستیابی به آن احساس می کند، بسیار باارزستر و سودمندتر از یک جواب فوری و شتابزده است.

۶ - معلم باید خود را درکنار دانش آموز و همراه او تصور کند و به او بگوید که ما هر دو تلاش می کنیم تا باهم به جواب مطلوب و صحیح دست یابیم.

۷ - معلم باید باحالتی جدی و مصمم به پاسخگویی بپردازد. بالباس و دستهای خودبازی نکند. به کار دیگری مثل تصحیح ورقه، پاک کردن تخته، باز بسته کردن پنجره کلاس و بستن دکمه های لباس خود مشغول نشود و خلاصه این که همه حواس و توانایی ذهنی خود را برای پاسخگویی صحیح به کار برد.

۸ - معلم باید اندیشمندانه و علمی به پرسش دانش آموزان پاسخ دهد. در ابتدای پاسخگویی متذکر شود که من براساس مطالعاتی که خود داشته ام بدین پاسخ دست یافته ام و ممکن است پاسخ بهتری هم وجود داشته باشد. درچنین مواردی ذکر مآخذ و کتابهای مورد مطالعه ضروری است.

۹ - معلم دربرابر سؤالهایی که جواب آنها را بطور احتمالی و تردید آمیز می داند، می تواند دانش آموز را به منابع مفید و معتبر ارجاع دهد و یا جواب کاملتر را به جلسه بعد موکول کند تا باآرامش و فرصت کامل به تحقیق بپردازد و پاسخ صحیح را دراختیار دانش آموز بگذارد.

۱۰ - معلم باید درجلسه بعد حتماً

نکاتی می پردازیم که یک معلم دلسوزو اندیشمند در کلاس درس و دربرابر دانش آموز پرسشگر خود باید رعایت کند.

۱ - معلم باید با روی خوش به سؤال دانش آموز گوش فرادهد. با نگاهش به او آرامش ببخشد و او را تشویق به ادامه پرسش نماید. درحقیقت معلم باید به استقبال پرسش دانش آموز برود. درفضایی امن و آرام و با صبیر و حوصله به سؤال او گوش کند و فرصت کافی بدهد تا جملات سؤالش را کاملاً ادانماید و هرگونه توضیح یا مثال لازمی را بیان کند.

۲ - معلم باید به دقت به سؤال دانش آموز گوش کند تا مفهوم پرسشش را کاملاً درک کند، نه اینکه شتابزده و قبل از تمام شدن سؤال پاسخ آن را بگوید.

۳ - معلم درپاسخگویی به سؤال یک دانش آموز تا جایی که می تواند بپردازد دانش آموزان دیگر کمک بگیرد تا کلاس در هنگام پاسخگویی فعال باشد و رقابت صحیحی برسر جواب دادن به سؤال درمیان همه دانش آموزان به وجود آید.

۴ - معلم از ذکر کلمه "نمی دانم" در مقابل برخی پرسشها نباید وحشت داشته باشد. ابن سینا دانشمند بزرگ می گوید:

تا بدانجا رسید دانش من

که بدانم همی که نادانم

البته معلم باید با تسلط علمی کافی سر کلاس برود، مطالعه کند، اعتماد به نفس داشته باشد و کلمه "نمی دانم" را در مقابل هر سؤال بی زبان نیاورد.

۵ - بهترین فضای پاسخگویی و قانع کننده ترین جواب موقعی فراهم می شود که معلم به دانش آموز کمک کند تا خود او به

صرف کند .

۱۶ - معلم با کلام و نگاهش باید اشراف و تسلط علمی خود را حفظ کند و به گونه‌ای رفتار کند که یک محیط علمی، باصفا و به دور از هرگونه قدرت نمایی فراهم آید تا دانش آموز احساس امنیت علمی نماید و بتواند به رفع مشکل خود بپردازد .

در پایان باید خاطر نشان ساخت که ایجاد فضای سالم علمی در کلاس و ارائه پاسخه‌های صحیح و منطقی و به دور از تعصب از سوی معلم ، جایگاه رفیعی برای او در میان دانش آموزانش ایجاد می کند . خاطره پاسخه‌های معلم عالم و دلسوز برای سالها در حافظه و یاد دانش آموزان باقی می ماند و در بسیاری از موارد الگوی مناسبی برای آنان می شود تا جواب هر بررسی را با حوصله ، متانت ، دقت و عالمانه اظهار کنند .

سؤال‌ی را که جوابش ناتمام مانده بود ، پی گیری و کامل کند و نتیجه تحقیق و دریافت خود را بیان نماید .

۱۱ - اگر دانش آموز در ضمن تحقیق به جواب تازه‌ای دست یافته است ، او را در حضور دیگران تشویق کند و پاسخش را با صدای رسا برای شاگردان دیگر اظهار کند .

۱۲ - معلم باید به سؤال دانش آموز پاسخ قانع کننده‌ای بدهد ، به طوری که رضایت و خشنودی درک علمی را از نگاه دانش آموز بخواند و اثر آن را در چهره او ببیند .

۱۳ - در طی طرح سؤال و ضمن پاسخگویی معلم ، اگر دانش آموز دیگری ، در مخالفت با پاسخ معلم نظریه‌ای ابراز کند ، وی باید با سعه صدر به آن گوش بدهد . اگر مطلب آن دانش آموز نادرست باشد ، با استدلالی متین به رد آن بپردازد و در غیر این صورت معلم باید با تواضع علمی آن را ناپید کند و متذکر گردد که جواب اخیر از پاسخ خود وی صحیح تر و سودمندتر است .

۱۴ - معلم در ضمن پاسخگویی نباید از بحث منحرف گردد ، به حاشیه گویی بپردازد و خدای نکرده بخواهد از جواب اصلی طفره برود ، که این عمل سبب بی اعتمادی دانش آموز به او می شود و شخصیت و چهره علمی وی را خدشه دار می سازد .

۱۵ - معلم در پاسخگویی به سؤال دانش آموز باید رعایت وقت و حوصله کلاس را بنماید و اگر سؤال نیاز به بحث و گفت و گو بیشتری دارد ، آن را به پایان درس یا وقت تفریح موکول کند . به شرط آنکه خود فداکاری لازم را داشته باشد که در ساعت فراغت ، قسمتی از وقتش را برای پاسخگویی به سؤال دانش آموز

منابع :

- ۱ - رشد عقلانی کودک از دیدگاه پیاژه ،
تألیف : هربرت جیمز برگ ، سیلویا اوپر ،
ترجمه : دکتر فریدون حقیقی ، فریاده
شریفی
- ۲ - فن معلمی ، تألیف : مرتضی خلخالگی ،
عادل یغما ، محمود هرمزی
- ۳ - نظرخواهی از بعضی متخصصان و دانش
آموزان
- ۴ - نسبت به فرزند ، دانش آموز و کودک چه
تکالیفی داریم ؟ ، نظر امام سجاد در این
سه مورد ، تألیف : علی غفوری

اهمیت لزوم برقراری

ارتباط نزدیک

بین نوجوان و والدین



دکتر زهرامعتمدی

خود را در مقابل آنها تنها می‌یابد و سعی دارد بدون کمک دیگران بر مشکلاتش فائق آید، زیرا در این سن نوجوان به استقلالش بسیار اهمیت می‌دهد. نوجوان بر آن است که خود را از قید و بند خانواده برهاند و لذا از والدین فاصله می‌گیرد. او استقلال را تنها در خلاص شدن از قیود خانواده می‌داند، و این در شرایطی است که برای حل مسائل و رفع مشکلاتش شدیداً "نیازمند حمایت عاطفی خانواده است، زیرا مواجهه با بسیاری از این ناملایمات نیاز به تجربه کافی و قدرت ذهنی و فکری فراوان دارد. در برهه نوجوانی به علت غلبه عواطف و احساسات بر قوه تعقل، تشخیص راه از چاه و سنجش ابعاد مشکلات، بندرت برای نوجوان امکان پذیر است و او به

شباب یا نوجوانی یکی از حساسترین و بحرانی‌ترین مراحل زندگی هر فرد است. تغییرات روحی ناشی از سن بلوغ موجب بروز رفتار و خلق و خوی خاص در نوجوان می‌شود که در چگونگی رابطه‌اش با اطرافیان اثر می‌گذارد. همچنین گذر از مرحله کودکی و ورود به مرحله نوجوانی که با تغییرات جسمی و ظاهری همراه است سبب می‌شود که رفتار اطرافیان نسبت به نوجوان تغییر کند و انتظار آنان از او فزونی یابد. نوجوانان (بویژه پسران) نیز در این دوران آزادی بیشتری در روابط اجتماعی خود به دست می‌آورند. بدین ترتیب طبیعی است که همه این تغییر و تحولات، مسائل و مشکلات تازه‌ای را برای نوجوان به ارمغان می‌آورد، که غالباً او

شما برای حل مشکلات و رفع ابهامات و نگرانیهایش به چه کسی مراجعه می‌کند و از چه کسی راهنمایی می‌طلبید؟

شاید پاسخ این باشد: "او هیچ وقت به سراغم نمی‌آید، حرفهایش را نمی‌زند، بیشتر در اتاقش خود رازندانی می‌کند، وقتی با او صحبت می‌کنم به حرفهایم گوش نمی‌دهد، اغلب کم حوصله است، زود عصبانی می‌شود و پرخاش می‌کند".

حق باشماست، وقتی نوجوان از ما کمک نمی‌خواهد، چگونه یاری اش کنیم؟ یا وقتی داوطلب راهنمایی خواستن نیست، چگونه ارشادش نماییم؟ یا وقتی علت پریشانی اش را جویا می‌شویم با خشونت روبرو می‌شویم چگونه تسکینش دهیم و با او رابطه انسانی برقرار سازیم؟

حال ببینیم چه عواملی سبب می‌شود که نوجوان با ما چنین رفتاری داشته باشد. عامل سن:

یکی از مشخصات سن بلوغ به وجود آمدن حس استقلال طلبی در نوجوان است. براین اساس میل به خود متکی بودن و اهمیت بیش از اندازه‌ای که نوجوان برای استقلال فردی اش قائل است باعث می‌شود که کمک والدین را دخالت در کار خود و توجه آنها را به دلیل کودک شمردنش و نصیحت آنان را اعمال برتری آنها نسبت به خود تلقی کند. بنابراین زمانی که نوجوان احساس کند، کسی استقلالش را تهدید می‌کند و می‌خواهد در کار او دخالت کند، آن شخص هرکس که باشد - حتی والدینش - از نظر او دشمن محسوب می‌شود.

یکی دیگر از ویژگیهای سن بلوغ تمایل

کمک و راهنمایی والدین و مربیان نیاز فراوان دارد. و در اینجا این والدین هستند که می‌توانند با درایت و هوشمندی، اعتماد و اطمینان نوجوان را نسبت به خودش جلب کنند و به گونه‌ای رفتار کنند که نوجوان احساس کند می‌تواند به محض برخورد با مشکلات از آنان یاری جوید.

اهمیت گفت و شنود والدین با نوجوان

این موضوع را خوب به خاطر بسپارید که حرف زدن و صحبت کردن نوعی شیراطمینان در گذرگاههای دشوار و پرخطر زندگی نوجوان محسوب می‌شود. نوجوان با صحبت کردن می‌تواند اضطراب و تشویش درونی خود را تا حدی کاهش دهد و در نهایت هنگامی که با شما درد دل می‌کند شما را امین و یاور خویش می‌پندارد. احساس می‌کند که در رفع مشکلات می‌تواند به شما تکیه کند و در لحظات بحرانی خود را تنها و منزوی نمی‌یابد. همین امر سبب می‌شود که نوجوان به خود اطمینان بیشتری پیدا کند و به بیان دیگر اعتماد به نفس او تقویت شود. افزون بر این شما نیز می‌توانید در خلال گفت و شنود با او با افکار و عقایدش آشنا شوید، به مشکلات و مسائلی پی ببرید و بموقع در رفع آنها بکوشید. و نیز با هوشیاری می‌توانید اطلاعاتی در مورد دوستان و معاشران نوجوان به دست آورید، و در صورت دوستی با افراد ناباب او را از معاشرت با آنان برحذر دارید.

عوامل گریز نوجوان از گفت و شنود

با والدین

آیا تا کنون فکر کرده‌اید که فرزند نوجوان



می‌کشاید. چرا آن شخص شما نباشید که از هر کس به او نزدیک‌ترید و در حسن نیت شما و اینکه بیش از هرکس دیگر طالب خیر و صلاح او هستید، شکی نیست. ولی رخنه کردن در دل نوجوان و جلب اعتماد او شرایط خاصی را می‌طلبند و مستلزم رعایت نکاتی چند است که عبارتند از:

۱- شناخت نوجوانی

قبل از هر چیز لازم است که به مراحل رشد و تحولات روحی سن بلوغ آگاهی داشته باشید و با پیچیدگیها و نیازهای این سن آشنا باشید. این اطلاع و آگاهی به شما کمک می‌کند تا بهتر و آسانتر بتوانید راههای ایجاد ارتباط با نوجوانان را بیابید. البته زمینه برقراری یک ارتباط سالم و درست با نوجوان را باید از همان دوران کودکی فراهم سازید. رفتار درست یا نادرست شما در دوران طفولیت فرزندان می‌تواند زمینه‌های نزدیکی یا دوری شما را به آنها در دوران نوجوانی فراهم آورد.

۲- شیوه‌های برخورد والدین با نوجوان

در گام نخست شیوه برخورد والدین در گفت و شنود با نوجوان، شرط اصلی ایجاد ارتباط و تداوم آن است. برای رسیدن به این هدف لازم

به گوشه‌گیری و انزواطلبی است. در چنین شرایطی، نوجوانان اغلب کم حرف و منزوی می‌شوند، بیشتر به دنیای درونی و مرموز خود می‌خزند و در افکاری که در سردارند و نمی‌توانند با کسی در میان بگذارند، غوطه‌ور می‌گردند. بنابراین خویشتن‌داری و در خود فرو رفتگی نوجوانان را همیشه نباید به دلیل برخوردشان با مشکلات و موانع دانست. این رفتار نوجوان همواره نگران‌کننده نیست، بلکه برعکس گاهی برای آنان لازم است و سازنده. ولی اگر احساس کردید که فرزند نوجوان شما برخلاف عادت همیشگی‌اش خاموش و کم حرف و گوشه‌گیر شده است و همزمان با آن پریشان و مضطرب به نظر می‌آید، سعی کنید علت آن را دریابید، زیرا امکان اینکه حادثه‌ای یا مشکلی برایش پیش آمده باشد زیاد است.

ایجاد زمینه‌های مناسب ارتباط

نوجوان با والدین

در نتیجه قلب نوجوان بر روی کسی که به او محبت کند باز است و به آسانی برای هرکس که محبت و اعتمادش را جلب کند سفره دلش را

حفظ کنید و صبور باشید. به جای تحقیر و سرزنش نوجوان در جست و جوی یافتن انگیزه و علت رفتار نادرست او باشید. موضوع را بیش از آنچه که هست بزرگ جلوه ندهید. به خاطر انجام آن عمل نادرست از پیش بینی و آینده نگری نسبت به سرنوشت نوجوان پرهیز کنید.

— پیش از هر چیز توجه داشته باشید که نوجوان باید شخصا "به مقابله با بحرانهای زندگی برود و محبت شما بهترین پشتیبان او خواهد بود. والدین خردمند و عاقل کسانی هستند که نوجوان بتواند به هنگام برخورد با مشکلات، بر روی آنها حساب کند و از آنها کمک بخواهد.

— وقتی نوجوان مشکلی را با شما در میان گذاشت، حامی و مدافع فرزندان باشید. هرگز طرف مقابل او قرار نگیرید و رفتار ناشایست دیگران را نسبت به او موجه جلوه ندهید. قبل از ثابت شدن موضوع او را مقصر قلمداد نکنید و با او همدلی و همدردی نمایید.

— از بیم آنکه نوجوان بی دست و پا و ضعیف بار نیاید، او را در مقابل حوادث و گرفتاریهای دنیای خارج بی دفاع نگذارید. در دشوارترین شرایط سعی کنید راهی برای امید و دلگرمی نوجوان بیابید.

در پایان لازم به یاد آوری است که به کارگیری هر روش و رعایت هراسی، خود به تنهایی معجزه نمی کند و کارساز نیست، مگر در پرتو احترام متقابل بین شما و فرزندان. مطمئناً، ایجاد شرایط انسانی در خانه است که می تواند دستورالعملهای یاد شده را تحقق بخشد.

است که والدین مستمع خوبی باشند، باصبر و حوصله و خوش خلقی به حرفهایش گوش دهند، حتی اگر ملال انگیز باشد، زیرا لحن تلخ پدر یا مادر هرگز نمی تواند در نوجوان اثر مثبت بگذارد، هر چند که از سردلسوزی و خیر خواهی باشد.

— افکار نوجوان را نباید به مسخره بگیریید، اگر با عقایدش مخالفید، مخالفتتان را سریع و مستقیم ابراز نکنید.

— اگر در لابلائی حرفهایش به موضوعی برخوردید که سبب نگرانی تان شد، فوراً "نگرانی خود را بروز ندهید و این امر سبب نشود که دائماً "کلامش را قطع کنید و به نصیحتش بپردازید. — از کسانی که مورد قبولش هستند، مستقیماً انتقاد نکنید.

— حرفها و عقایدش را به عنوان یک موضوع بآموزه و خنده دار برای اطرافیان تعریف نکنید. — سعی نکنید از حرفهایش فوراً "نتیجه گیری کنید و عقیده تان را ابراز نمایید. — در تصحیح اشتباهات و در تفهیم حقایق به او شتاب نکنید.

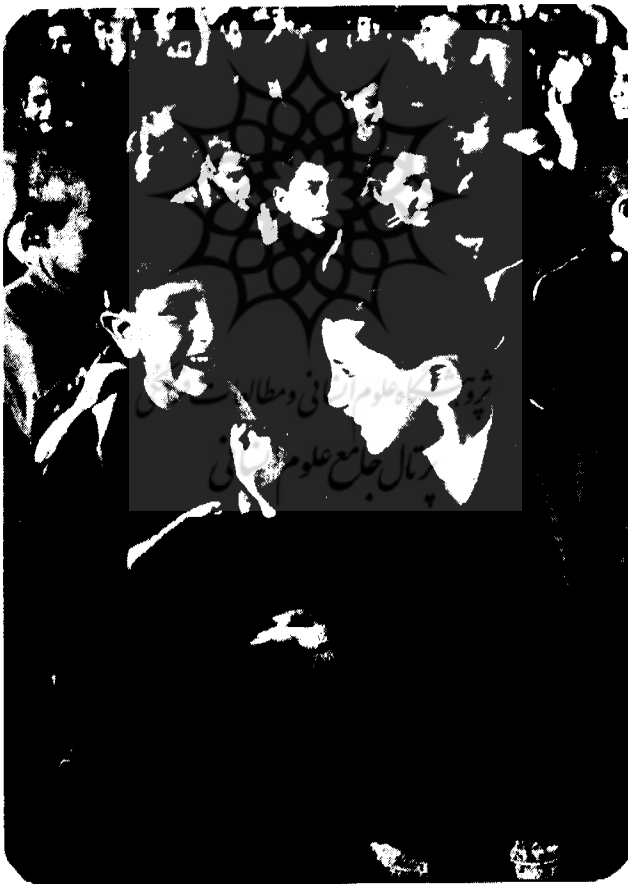
— به حریم شخصی نوجوان تجاوز نکنید و لوازم شخصی او را به بهانه یافتن سرنخی، به هم نزنید. اگر واری کشو، کیف و لوازم شخصی، به نظرتان ضروری می آید، سعی کنید اواز این کار باخیر نشود، زیرا این امر حاکی از آن است که به او اعتماد ندارید. آگاهی از عدم اعتماد شما نسبت به نوجوانتان، او را دچار اضطراب و تشویش می کند.

راه حلهای عملی به هنگام برخورد با مشکلات

— وقتی مشکلی پیش آمد خونسردی خود را

تأثیر گروه همسالان بر کودکان و نوجوانان

اسماعیل بیابانگرد



دقیقه نوسان دارد و غالبا " متقابل نیست .
 کودکان ۶ تا ۸ ماهه بیشتر با محیط
 بازی شان سروکار دارند تا اسباب بازی یا
 همبازیهایشان . در این دوره معمولا " به کودکان
 دیگر توجه نمی شود . هنگامی که تماس با کودک
 دیگر به وجود می آید ، اگر این تماس دوستانه
 باشد ، چیزی بیش از یک لبخند ، یا احتمالا "
 گرفتن کودک دیگر دیده نمی شود . هنگامی که
 برخورد پرخاشجویانه ای به وجود آید ، بیشتر
 ممکن است به شکل تلاش در گرفتن اسباب بازی
 از دیگری ظاهر شود .

از ۹ تا ۱۳ ماهگی کودکان بیشتر به
 اسباب بازی توجه دارند تا همبازی . از آنجاکه
 کودکان در این دوره به اسباب بازی اهمیت
 زیادی می دهند ، گرایش دارند که بر سر آنها یا
 کودکان دیگر دعوا کنند .

اطفال بین سنین ۱۴ تا ۱۸ ماهه
 نگریشان را نسبت به همبازیهای خود تغییر
 می دهند . و چون نیازهای مربوط به اسباب بازی
 تا حدود زیادی ارضاء می شود ، مشاجراتشان با
 دیگران کاهش می یابد .

برای کودکان ۱۹ تا ۲۵ ماهه اسباب بازیها
 و همبازیها اهمیت بیشتری می یابند و ارتباط
 اجتماعی آنها زیادتر می شود . کودکان این
 سنین برای سازگاری با دیگر همسالان نشان رفتار
 خود را تغییر می دهند .

با بالا رفتن سن ، کودکان فعالیتهای کمتری
 در تنهایی دارند ، کمتر به تماشای بازی دیگران
 می ایستند و به بازی انفرادی علاقه کمتری نشان
 می دهند . در این دوره الگوهای بالغانه رفتار
 اجتماعی افزایش می یابد ، تماسهای دوستانه بین
 کودکان بیشتر روی می دهد و همکاری نیز بیشتر

در عین حال که وجود یک رابطه صمیمی
 با یک بزرگسال مهربان و پاسخگو برای
 نیازمندیها ، سوءالات و مشکلات یک کودک الزامی
 است ، کنش متقابل با کودکان دیگر نیز نقشی
 عمده در این فرایند بازی می کند . همسالان از
 راههای خاصی در شکل گیری شخصیت ، رفتار
 اجتماعی ، ارزشها ، و نگرشهای یکدیگر دخالت
 دارند ، کودکان از طریق سرمشق دهی و سرمشق
 گیری اعمالی که قابل تقلید است و با ارزشیابی
 فعالیتهای یکدیگر و باز خوردی که به یکدیگر
 می دهند ، در همدیگر تأثیر می گذارند .

کودکان و نوجوانان ، بسیاری از مهارتهای
 اجتماعی را از طریق کنش متقابل با یکدیگر
 یاد می گیرند . آنها می آموزند که چگونه چیزی
 بدهند و چیزی بگیرند ، در فعالیتهای دسته
 جمعی شرکت کنند ، از جنب و جوش دیگران لذت
 ببرند ، احساسات دیگران را درک کنند ،
 تواناییهای خود را ارزیابی کنند ، اعتماد به
 نفس کسب نمایند ، بتدریج از خانواده مستقل
 شوند و سرانجام با جامعه سازگار گردند . با توجه
 به اهمیت نکات فوق بر آن شدم تا مطالبی هر
 چند مختصر را برای اولیای محترم و معلمان و
 مربیان دلسوز مطرح کنیم .

چگونگی روابط با همسالان

در سنین مختلف

دقیقا " نمی توان گفت که تأثیر همسالان
 چه وقت اهمیت پیدای کند . بسیاری از
 شیرخوارگان با شیرخوارگان دیگر و کودکان
 خردسال تماس عادی دارند . این تماسها معمولا "
 کوتاه مدت است ، دامنه آن از چند ثانیه تا یک

صورت می گیرد .

کنند ، جهان والدین و سایر بزرگسالان ، وجهان همسالان . این دو جهان می توانند در کنار یکدیگر ، درحالی که بخش مشترک کوچکی نیز دارند ، وجود داشته باشند . دنیای همسالان خرده فرهنگی است که از بسیاری جهات تحت ناءثیر فرهنگ بزرگتری است که کودک در آن زندگی می کند ، ولی درعین حال تاریخچه ، سازمان اجتماعی و نیز ابزار انتقال آداب و رسوم خود از نسلی به نسل دیگر را دارد .

گروه همسالان مهارت‌های اجتماعی مهمی را به کودکان می آموزد که بزرگسالان به هیچ وجه نمی توانند آنها را به کودک بیاموزند ، از جمله این که : چگونه با همسالان کنش متقابل داشته باشند و چگونه با تسلط جویی و اذیت کردن دیگران کنار آیند . در دوران بعدی کودکی ، همسالان کارکردی روان درمانی دارند و به کودک کمک می کنند تا با مشکلات شخصی و اضطراب کنار آید . برای مثال وقتی که کودکی درمی یابد که سایر کودکان نیز از دست والدینشان عصبانی می شوند ، ممکن است احساس اضطرابش کمتر شود .

همسالان به عنوان سرمشق

تحقیقات متعددی نشان داده است که همسالان به عنوان سرمشق می توانند بر رفتار کودکان ناءثیر بگذارند . وقتی که کودکی می بیند که کودک همسالش به سبب رفتاری که انجام داده است پاداش دریافت می کند ، او نیز بی آنکه توقع همان پاداش را داشته باشد ، به انجام آن رفتار ترغیب می شود . این فرایند در مدرسه شدت پیدامی کند ، زیرا کودکان در حدود ۶ - ۷ سالگی به بازیهای جداگانه و خاص جنس خود

در دوره دبستان دایره دوستان کودک گسترده تر و استحکام دوستیها بیشتر می شود . کودکان مدرسه رو در مقایسه با کودکان خردسالتر با یکدیگر بیشتر ارتباط دارند و بیشتر در فعالیتهای اجتماعی شرکت می کنند . در سالهای اولیه مدرسه بچه ها گروههایی را تشکیل می دهند و کودک مدرسه رو معمولاً " به یکی از این گروهها تعلق دارد .

در سنین نوجوانی ، نوجوانان به رفاقت و دوستی با همسالان اهمیت فراوانی می دهند و از زندگی مشترک با آنان لذت می برند . اجتماع نوجوانان محیطی را فراهم می سازد که در شخصیت هریک از آنان اثر عمیق خواهد داشت . گروه همسالان دارای قدرت زیادی است و می تواند اعضای گروه را تحت ناءثیر خود قرار دهد . این گروه نقطه اتکالی برای اعضاء محسوب می شود و حتی گاهی در مقابل خانواده قیام می کند و خشم خانواده ها را برمی انگیزد .

جذب گروهی و پذیرفته شدن در جمع دوستان برای نوجوانان اهمیت فراوان دارد و لذا باید هرگونه انزوا و کناره گیری را در دوره نوجوانی به دقت مورد بررسی قرار داد و علت آن را جویا شد . شاید دلیل انزوا ، نداشتن مهارت اجتماعی باشد و یا به دلیل احساس خطاکاری و اشتباه و یا احساس بی ارزشی باشد که در این صورت آموزش مهارت‌های ارتباطی می تواند به نوجوان کمک کند تا در جمع پذیرفته شود و خود را ابراز دارد .

همسالان به عنوان عامل

اجتماعی شدن

درواقع کودکان در دو جهان زندگی می -



میزان شایستگی، هوش، وضعیت تحصیلی، اجتماعی بودن... و میزان تقلید دیگر همسالان از وی همبستگی وجود دارد. به طوری که هرچه میزان هوش، موفقیت تحصیلی، اجتماعی بودن یک کودک بیشتر باشد، میزان تقلید همسالان هم از او بیشتر خواهد بود. همچنین، کودکان بیشتر سرمشقهایی را مورد تقلید قرار می دهند که شبیه خود آنان هستند، ناآنها که دارای این شباهت نیستند.

همسالان به عنوان معلمان

همسالان می توانند معلمان کارآیی برای تدریس موضوعات درسی باشند. در بعضی کشورها (مثل شوروی سابق) تقریباً "همه کودکان موظفند به کودکان کوچکتر از خود آموزش دهند. این کار صرفاً " برای آموزش کودکان خردسالتر نیست، بلکه وسیله ای است برای اینکه به کودکان مسوولیت اجتماعی، نوع دوستی و فداکاری

می پردازند. وقتی کودکان جنس مخالف را در بازیهایشان شرکت نمی دهند و بیشتر به همجنسان خود توجه می کنند، باید این رفتار را نخستین گام در راه شناخت و آگاهی جنسیتی آنان به شمار آورد.

واکنشهای عاطفی و کنشهای متقابل اجتماعی با مشاهده همسالان تغییر می کند. برای مثال، اگر کودکی همسالان خود را ببیند که به یک شوخی می خندند، او نیز همین واکنش را نشان خواهد داد.

همچنین کودکان می توانند برای آن دسته از همسالان خود که ترسهای غیرمنطقی دارند، نقش درمانگر را داشته باشند. به این ترتیب که می توانند به آنان طرز برخورد تدریجی با محرکهایی را که برای آنان ترس آور است، نشان دهند.

در میان همسالان بعضی از آنها به عنوان سرمشق، اثربخش ترند. به عنوان مثال، بین

هامچک (HAMACHEK) عملکرد

- گروه همسال را به صورت زیر بیان می کند :
- ۱- جانشین شدن برای خانواده
 - ۲- منبع احترام شخصی
 - ۳- منبع ثبات و استواری در زمانی که دوره تحول و انتقال است
 - ۴- سیری در مقابل فشار بزرگسالان
 - ۵- منبع قدرتی که فرد، طرز رفتار خود را از آن می گیرد
 - ۶- سرمشقی برای رشد اخلاقی، اجتماعی، ذهنی و عاطفی
- گروه همسال به دو صورت به نوجوان در برابر خانواده کمک می کند: "اولا"، جای پدر و مادر را می گیرد و نوجوان را به انجام اعمال، قواعد و رسوم و او می دارد. ثانياً"، در مقابل پدر و مادر از نوجوان حمایت می کند. ثانیاً"، گروه همسال تا حدی است که گاهی طرز رفتار، نحوه تکلم و حتی شیوه لباس اعضاء را تعیین

بسیاری از مریبان معتقدند که کودکانی که به کودکان دیگر آموزش می دهند، خود نیز چیزهایی می آموزند، حتی شاید بیش از شاگردانشان. با این کار انگیزش آموخته شده و درگیر شدن او با موضوع درسی افزایش می یابد و عملکرد تحصیلی وی ارتقای کیفی پیدا می کند .

نوجوان و گروه همسال

گروه همسال بر تصمیماتی که افراد عضو می گیرند تأثیر می گذارد. در یک تحقیق مشخص شد که تصمیم به ادامه تحصیل و رفتن به دانشگاه در نوجوانان تحت تأثیر تصمیمات رفقا و دوستان آنان بوده است. تأثیر گروهی و پذیرفته شدن، به رشد شخصیت فرد کمک می کند. کودکانی که محبوب همسالانشان هستند در نوجوانی نیز به احتمال زیاد این محبوبیت را حفظ می کنند .



می نماید .

باتوجه به اینکه گروه همسال برای نوجوان ایجاد امنیت می کند، یعنی سپری در برابر حملات بزرگسالان است و فرهنگ خاصی را عرضه می کند، هرگونه اقدام نابجای والدین، نوجوان را بیشتر به طرف همسالان می کشد. شناخت این مرحله از رشد و آگاهی از نیازهای آن می تواند به والدین اعتبار بخشد و آنان را در برابر گروه همسالان قرار ندهد .

منابع :

- ۱ - احمدی، احمد (۱۳۶۹) : "روان شناسی نوجوانان"، تهران، انتشارات نشرودکی
- ۲ - ماسن، پاول هنری وهمکاران (۱۳۶۸) : رشد و شخصیت کودک" (ترجمه مهشید یاسایی) ، تهران، نشرمرکز



- 3- ABRAMOVITH, R. & GRUSC, J.F. (1978) : PIER IMITATION IN A NATURAL SETTING, "CHILD DEVELOPMENT", NO.49, P. 60-65
- 4- BRONFEN, B.U. (1980) : "TWO WORLD OF CHILDHOOD" NEW YORK, RUSSELL SAGE FOUNDATION.

بقیه از صفحه ۴۲

— من از اینکه آموزش و پرورش به فکر ما هستند و نظر ما را پرسیدند خوشحالم .
 — باتشکر از شما که انشای به این خوبی به ما دادید .
 — من از شما تشکر می کنم که این انشای دلپذیر را به ما دادید .
 — من از این انشاء خیلی خوشم آمد .

مدرسه مورد نظر کودکان، مدرسه ای است مرتب و پاکیزه که در آنجا بتوانند بدون ترس از تنبیه، تحقیر و تمسخر درس بخوانند .
 این تجربه درضمن به ما نشان داد که کودکان تا چه حد از اینکه بزرگترها نظریات و عقاید آنان را جویا شوند خوشحال می شوند .
 چند نمونه زیر نمودار استقبال کودکان از این نوع نظرخواهی است :